

## حوادث۱۹خرداد

کوتاه از حوادث

☞ فردی که پسر ۱۴ساله‌ای را به قتل رسانده و متواری بود، بازداشت شد.

ساعت ۱۸ و ۲۳ دقیقه بیست و سوم خرداد امسال وقوع نزاع و درگیری در پارک ریاضیات کرمان به پلیس گزارش شد. ماموران کلانتری ۱۱ به محل اعزام شدند و پی بردن پسر ۱۴ساله با ضربه چاقو زخمی شده و قاتل ۲۵ساله فرار کرده است. درادامه پسر زخمی روز بعد در بیمارستان فوت شد. متهم به قتل که فراری بود سرانجام بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد.

☞ مردسابقه‌دار که با همدستی دو نفر از دوستانش تحت پوشش مسافربر افراد مسافر را زخمی و اموالشان را سرقت می‌کردند در شکار آتش عکاسی را به دام انداختند.

از چندی آتش شکایت‌هایی در دستور کار پلیس آگاهی تهران قرار گرفت که نشان می‌داد سه جوان تحت پوشش جابه‌جایی مسافران آنها را ریبوده و با زخمی کردن برخی از مالباختگان ازجمله مرد عکاس، پول، گوشی تلفن همراه و اموالشان را سرقت می‌کنند.

در تحقیقات پلیسی معلوم شد گوش یکی از سارقان فراری شکسته و یک خالکوبی در میان دو انگشت شست و اشاره‌اش داشته است. تحقیقات ادامه داشت تا این‌که رد متهم به دست آمد و معلوم شد او سابقه موادمخدر داشته است. با ادامه تحقیقات او و دو همدستش بازداشت شدند. با تحقیق در همدستش معلوم شد که آنها تاکنون از ۲۰ نفرسرت و برخی از جمله همین عکاس را با چاقو زخمی کرده‌اند.

همچنین مشخص شد که متهمان ابتدا با خودروهای سرقتی مسافر سوار کرده و با زخمی می‌کردند. در برخی از موارد هم خودشان با عنوان مسافر سوار شده و با تهدید راننده‌ها آنها را بیرون انداخته و خودروهایشان را سرقت می‌کردند. تحقیقات از متهمان در پلیس آگاهی ادامه دارد.



### سرقت ناکام از طلافروشی

مردی که می‌خواست از مغازه طلافروشی محله رازی سرقت کند، ناکام ماند. به گزارش جام‌جم، روز دوشنبه بیست و چهارم خرداد امسال مردی ۳۶ساله در حالی که شوکری به دست داشت وارد طلافروشی حوالی خیابان هلال احمر تهران شد و طلافروش را با آن تکت زد. به محض به صدا درآمدن زنگ خطر نجما ماموران کلانتری رازی به محل اعزام شدند و با دستگیری سارق او را در اجرای نقشه دزدی اش ناکام گذاشتند.

## مرگ تلخ پسر ۳ساله در لوله چاه



پسر چاه جان باختند در لوله

بودیم. این فکر هم به ذهنم رسید که شاید جایی خوابش برده باشد. همراه با پسر ۱۳ ساله‌ام عظیم... شروع به جست‌وجو کردیم اما هرچه گشتیم، نتوانستیم پسر کوچک‌ را پیدا کنیم.»

☞ **ای کاش توری داشت**

پدر این‌بار سراغ لوله قطور چاه آب زمین کشاورزی رفت تا داخل آن را بگذرد. او احتمال می‌داد پسرش با توجه به جثه کوچکی که دارد، برای بازی به درون آن رفته باشد.

خم شد و داخلش را نگاه کرد، اما چیزی ندید: «داخل لوله چاه آب کشاورزی آن قدر بزرگ است که یک کودک می‌تواند به‌راحتی وارد آن شود. چند بار داخل لوله چاه آب را نگاه کردم، ولی پسرم را ندیدم. چند ساعت دنبال او گشتیم، اما خبری نبود. همان‌طور که مشغول جست‌وجوی پسرم بودم و اطراف را می‌گشتم، پسر بزرگم عظیم... صدایم کرد و گفت حمید... داخل لوله چاه است. باورم نشد. من ده‌ها بار داخل آن را گشته، اما پسرم را ندیده بودم. وقتی به لوله چاه رسیدم، عظیم... گفت دست حمید روی آب مشخص است و آن را می‌بینم.

پدر داغ‌دیده ادامه داد: خوب که نگاه کردم، دیدم همین‌طور است. پای پسرم داخل لوله و میان بلوک‌های سیمانی که داخل آن قرار داده حمید... داخل گیر افتاده و برای همین نتوانسته بود خارج شود.» حمید... را از لوله خارج کردند اما پسرک فوت شده بود و دیگر جانی در بدن نداشت؛ «پسرکم حدود چهار ساعت داخل آن لوله بود و اگر زودتر متوجه شده بودم، جانش را نجات می‌دادم. همان ساعت ۱۲ و حوالی زمان وقوع حادثه، چند بار درون لوله چاه را نگاه کردم، اما متأسفانه نمی‌دانم چرا متوجه وجود پسرم در لوله نشدم،»

وی می‌گوید حال مادر حمید... به‌خاطر از دست دادن پسرش خوب نیست. نمی‌تواند مرگ پسرش

☞ در حالی‌که پدر ۴۹ ساله افغان تصور می‌کرد ظهر دو روز پیش، افرادی ناشناس، پسر سه ساله‌اش را با خودرو از زمین کشاورزی در منطقه

عرب‌آباد ساوجبلاغ ربوده باشند، سرانجام پس از چند ساعت جست‌وجو، جسد او را داخل لوله قطور آبیاری چاه در همان روستا پیدا کرد.

نظرمحمد نظری، پدر حمید... کودک سه ساله‌ای است که جانش را در اثر وارد شدن به لوله قطور چاه آبیاری زمین کشاورزی در منطقه عرب‌آباد از دست داد. ظهر روز دوشنبه ۲۴ خردادماه، در حالی‌که همه و حتی پدر وی تصور می‌کردند او مشغول بازی کردن در گوشه‌ای از زمین کشاورزی باشد اما حادثه‌ای عجیب در کمین او بود.

پدر حمید... درباره این حادثه به خبرنگار جام‌جم می‌گوید: «او چون کوچک بود، زیاد در خانه نمی‌توانست بماند و برای همین گاهی اوقات به زمین کشاورزی که متعلق به فرد دیگری است و من روی آن کار می‌کنم، می‌آمد و مشغول بازی‌کردن می‌شد. روز حادثه، ساعت ۱۲ یا ۱۲ و ۳۰ دقیقه ظهر بود که دیدم از حمید... خبری نیست. چند بار صدایش زدم، اما هیچ جوابی از او نیامد. از بقیه کارگرانی که در زمین کشاورزی کار می‌کردند، سراغ پسرم را گرفتم که هرکسی چیزی می‌گفت. یکی می‌گفت آن طرف او را دیدم و دیگری هم می‌گفت طرف دیگر زمین مشغول بازی است.

☞ **نمی‌دانستیم پسرم ربوده شده یانه**

وی افزود: در صحبت‌های متناقض آنها حسابی گیج شده بودم و نمی‌دانستم کجا دنبال او بگردم. بدجور دلشوره گرفته بودم. اولین چیزی که به فکرم رسید این بود که شاید افرادی ناشناس پسرم را با خودرو از زمین کشاورزی دزدیده باشند و ما متوجه آن نشده

### ۷ مصدوم در آتش معدن

آتش‌سوزی در معدن زغال‌سنگ پروده شهرستان طبس در حالی مهارشد که هفت مصدوم بر جای گذاشت. به گزارش جام‌جم، بعد از ظهر سه‌شنبه بیست و پنجم خرداد امسال، کارگاه استخراج لانگوال معدن شماره یک شرکت زغال‌سنگ پروده طبس آتش گرفت. آتش‌نشان‌ها شعله‌های آتش را خاموش کردند و هفت معدنچی مصدوم به بیمارستان منتقل شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد ایجاد حرارت ناشی از تزریق فوم برای پر کردن حفره حاصل از ریزش سقف باعث این حادثه شده است.

## قتل پیرزن با ماهیتابه برای سرقت طلا

متهم در دادگاه مدعی شد قصد قتل نداشته است

پیکر مادرم روبه‌رو شدم. طلاهای مقتول سرقت شده‌بود که این نشان می‌داد، قتل توسط یک آشنا انجام شده‌است. تحقیقات ادامه داشت تا این‌که رد پسر برادرزاده مقتول در این جنایت به دست آمد و او وقتی دوباره به صحنه قتل آمده بود، دستگیر شد. مانی پس از انتقال به پلیس آگاهی به قتل عمه پدرش با انگیزه سرقت طلاهایش اعتراف کرد و به بازسازی صحنه جرم پرداخت. با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در حالی که پزشکی قانونی علت مرگ را عارضه قلبی ناشی از ضربه جسم سخت به سر اعلام کرده بود مانی در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفت. ابتدای جلسه فرزندان قربانی درخواست قصاص را مطرح کردند. سپس مانی در جایگاه ویژه ایستاد و اتهامش را گردن گرفت وگفت: در یک کارگاه تولید کمد دیواری کار می‌کردم اما به‌خاطر کرونا تعطیل شد و بیکار شدم. ۱۰ میلیون تومان از صاحبکارم قرض گرفته بودم اما نمی‌توانستم بدهی‌ام را بدهم. در مدت بیکاری در توزیع بسته‌های معیشتی با ارگانی همکاری داشتم. روز قتل به بهانه این‌که بسته معیشتی آورده‌ام به مقابل خانه مقتول رفتم که او خواست با پسرش هماهنگ کند. به آشپزخانه رفت که با ماهیتابه به سرش زدم و طلاهایش را سرقت کردم. نمی‌خواستم او را بکشم. به دلیل مشکلات مالی و سوسوسه شدم از او سرقت کنم. پس از آخرین دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند. ☞



☞ پسر جوان که با انگیزه سرقت، پیرزن تنهایی را به قتل رسانده بود، در جلسه دادگاه به‌تشریح جنایت پرداخت. به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته و با گزارش قتل زن سالخورده‌ای در شهرک ولیعصر در دستور کار پلیس قرار گرفت. پسر مقتول که ماجرای قتل را به پلیس گزارش داده بود، در تحقیقات گفت: مادرم بیماری قلبی داشت و به تنهایی در این خانه زندگی می‌کرد. در خانه‌اش دوربین مداربسته نصب کرده بودم تااگر حادش بد شد بفهمم. آخرین بار مادرم را در حال وضو گرفتن دیدم و بعد دوربین خاموش شد. با خانه تماس گرفتم که پاسخگو نبود. نگران، راهی خانه‌شده و با

عاملان جنایت اکباتان صحنه قتل‌ها را بازسازی کردند

## اکبر اختلال روانی دارد، همسرش کندذهن است



و تشخیص برخوردار بودند. بر اساس این گزارش، اکبر اختلال روانی دارد و همسرش هم کندذهن است.

۳۰روز بعد از دستگیری متهمان، ساعت۱۱صبح دوشنبه بیست و چهارم خرداد امسال، آنهااز سوی مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران و محمدجواد شفیع، بازپرس جنایی به محل

والدین بابک، کارگردان کشته‌شده به خانه‌شان در محله اکباتان منتقل شده و درکمال خونسردی صحنه سه قتل را بازسازی کردند. این در حالی است که کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند آنها جنون ندارند.

به گزارش خبرنگارجام‌جم، اکبر خرم‌دین و همسرش سال۹۰ داماد خانواده، سال ۹۷ دخترشان و شامگاه بیست‌وپنجم اردیبهشت امسال پسر ۴۷ساله‌شان به‌نام بابک خرم‌دین را که کارگردان سینمای ایران بود به قتل رساندند. آنها هرسه را به یک شیوه با قرص بیهوش کرده و بعد از خفه کردن‌شان اجساد را تکه‌تکه کردند.

متهمان چند جلسه تحت بررسی تیم‌های کارشناسان روان‌شناسی قرار گرفتند تا این‌که کارشناسان پزشکی قانونی در نظریه‌ای اعلام کردند متهمان دارای اختلال‌های روانی هستند اما در زمان ارتکاب قتل‌ها از قوه تمیز

## آدم‌ربایی ساختگی به دلیل محرومیت از ارث میلیاردی

مرد جوان وقتی فهمید هیچ سهمی از ارثیه هم‌اش ندارد، سناریوی آدم‌ربایی ساختگی را طراحی کرد. او قصد داشت با این کار نوه پیرزن را به دردرس ببینداز.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، هفته گذشته مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کرد عمه ۹۰ساله‌اش از سوی افرادی ربوده شده و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

وی در جریان تحقیقات پلیسی گفت؛ عمه سالخورده‌ام تنها در خانه ویلایی شمال تهران زندگی می‌کند و من از او نگهداری می‌کردم و قرار بود ارثیه میلیاردیش را به من بدهد. دیروز به خانه‌اش رفتم که از طریق همسایه متوجه شدم پرستاران با این ادعا که عمام به کرونا مبتلا شده او را با آمبولانس برده‌اند.

به همه بیمارستان‌ها سرکشی کردم که بستی نبود وگمان می‌کنم نوه‌اش او را ربوده تا اموالش را تصاحب کند.

پس از این شکایت، ماموران به خانه نوه پیرزن به عنوان تنها مظنون پرونده رفتند و پیرزن را آنجا یافتند. نوه‌اش هم بازداشت و به پلیس آگاهی تهران منتقل شد و در جریان تحقیقات گفت: برادرزاده مادر بزرگم چند روز قبل او را به خانه‌ام آورد و آدم‌ربایی در کار نبود.

در ادامه برادرزاده پیرزن مورد بازجویی قرار گرفت و اعتراف کرد دروغ گفته و آدم‌ربایی در کار نبوه است. او به ماموران گفت: من از عمه‌ام نگهداری می‌کردم و گمان می‌بردم او همه ارثیه‌اش را به من بدهد اما او همه را به نوه‌اش بخشیده است. وقتی از ماجرا باخبر شدم آدم‌ربایی ساختگی را طراحی کردم تا نوه‌اش را به دردرس ببینداز. با مشخص شدن بیگانه‌ی نوه پیرزن، او آزاد شد و برای برادرزاده نیز قرار قانونی صادر شد.